

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

شنبه ۶ مرداد ۱۴۰۳ • ۲۱ محرم ۱۴۴۶ • ۲۷ جولای ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۸۸۸ • ۱۲ صفحه • اذان ظهر-تهران ۱۴:۱۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۳ • اذان صبح فردا ۳:۳۱ • طلوع آفتاب ۵:۰۹

مخاطب‌خوانی

ما جدا افتادگان از اختلافات جهانی

حسین معافی

در روزهای اخیر، اختلافات گسترده‌ای در اینترنت جهانی گزارش شد که منجر به اختلال در خدمات مختلف از جمله خطوط هوایی، بانک‌ها، شبکه‌های اجتماعی و خدمات ابری شده است. یکی از دلایل اصلی این اختلالات، مشکلات فنی در زیرساخت‌های ابری شرکت‌هایی مانند مایکروسافت بوده است. این مشکلات منجر به بروز خطاهای سیستم و در برخی موارد، ازکارافتادن کامل سیستم‌ها شده است. همچنین تغییرات ناگهانی در مسیرهای انتقال داده نیز می‌تواند باعث اختلال در ارتباطات شود. نکته جالب اینجاست که با قطع اینترنت جهانی شاهد بروز مشکل برای برخی از شرکت‌ها و مؤسسات خدمات‌رسان در تمام دنیا بودیم، ولی در کشور ایران شاهد مشکلات جدی در این زمینه نبودیم؛ چراکه شبکه ملی اطلاعات با زیرساخت‌های منظم، ما را از مواجهه با مشکلات قطع اینترنت جهانی تا اندازه‌ای مصون داشت.

مقابله با اختلالات اینترنت جهانی نیازمند یک رویکرد جامع و همکاری همه‌جانبه است. با اتخاذ این راهکارها، می‌توان به ایجاد یک اینترنت پایدارتر، امن‌تر و قابل اطمینان‌تر کمک کرد. اختلالات جهانی در اینترنت دلایل مختلفی می‌توانند داشته باشند که علاوه‌بر خطاهای انسانی و بلایای طبیعی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: قطعی فایبر نوری، خرابی مراکز داده، خطاهای برنامه‌نویسی، تضاد نرم‌افزاری و حمله‌های سایبری DDoS.

اختلال در اینترنت جهانی یک چالش پیچیده با دلایل متعدد است که نیازمند رویکردهای چندجانبه برای مقابله است. در زیر، برخی از راهکارهای کلیدی برای کاهش و مدیریت این اختلالات ارائه شده است: **توسع‌سازی زیرساخت:** استفاده از مسیرهای مختلف انتقال داده، مراکز داده متعدد در مناطق جغرافیایی مختلف و زیرساخت‌های پشتیبان می‌تواند به افزایش پایداری شبکه کمک کند.

به‌روزرسانی تجهیزات: به‌روز نگه‌داشتن تجهیزات شبکه، نرم‌افزارها و سیستم‌های امنیتی می‌تواند از بروز مشکلات ناشی از قدیمی‌شدن فناوری‌ها جلوگیری کند. **کابل‌های فایبر نوری زیر دریا:** افزایش تعداد و ظرفیت کابل‌های زیر دریا برای بهبود ارتباطات بین‌المللی ضروری است.

تشخیص و مقابله با تهدیدات: استفاده از سیستم‌های تشخیص نفوذ، دیوار‌های آتش و سایر ابزارهای امنیتی برای شناسایی و دفع حملات سایبری.

همکاری بین‌المللی: همکاری بین کشورها و سازمان‌های بین‌المللی برای مقابله با تهدیدات سایبری فرامرضی ضروری است.

حمایت از توسعه اینترنت آزاد و باز: ایجاد محیطی که در آن نوآوری و رقابت آزادانه صورت گیرد، می‌تواند به بهبود پایداری و انعطاف‌پذیری اینترنت کمک کند.

ایجاد قوانین‌ومقررات مناسب: تدوین قوانین‌ومقرراتی که از حقوق کاربران و آزادی بیان در فضای مجازی محافظت کند، می‌تواند به ایجاد یک اینترنت سالم‌تر کمک کند.

از طرفی شبکه ملی اطلاعات به عنوان یک مکمل برای اینترنت جهانی عمل می‌کند و به‌جای قطع ارتباط با اینترنت جهانی، به دنبال ایجاد یک زیرساخت قوی و مستقل داخلی است که بتواند در کنار اینترنت جهانی به توسعه و پیشرفت کشور کمک کند. در عصر گسترش هوش مصنوعی و دنیای مجازی، مسئولین کشور در فناوری اطلاعات و ارتباطات شبکه ملی اطلاعات کشور را با زیرساخت‌های مناسب تقویت کنند تا به طور مستقل بتوانیم به رشد و تعالی در این زمینه دست یابیم.

دغدغه‌خوانی

آموزش‌وپرورش در مدار همیشگی بی‌توجهی

عبدالجلیل کریم‌پور

معلم جامعه‌شناسی

دوباره موقع انتخاب وزیر در کابینه‌ای جدید فرا رسیده و دغدغه‌مندان منصب، بر اسب مراد زین می‌نهند تا همچون گذشتگان چند صبحایی از موقعیت به‌دست‌آمده بهره‌ای ببرند، اما باید به یاد داشته باشیم که بیش از یک میلیون دانش‌آموز و معلم، چشم‌به‌راه موقعیتی هستند تا بتوانند خلاقیت و اثربخشی را بر مسند صدارت این نهاد ببینند و نفسی به آرامی بکشند که با این انتصاب بعد از سال‌ها انتظار، گری‌ای از گره‌های متعدد مجموعه آموزشی کشور باز شود و کسی بیاید که از بدنه سیستم بوده و با مشکلات آن عجين شده باشد.

سال‌هاست که دغدغه‌مندی آموزشی بر این مسند ننشسته و گره‌های همچنان چسبیده بر این نهاد، هرروز فریبه‌تر می‌شوند و صداالبته دوباره در بر همان پاشنه قدیم می‌چرخد و نگاه به این نهاد در همان مدار همیشگی فراموشی ایستاده است. صحبت از نهاد فخمیه تعلیم‌وتربیت است و حدیث معماران آموزشی که باید خاص انتخاب شوند و به‌اصطلاح، یک سرورگردن از بقیه بالاتر باشند؛ اما دریغ که هر دوره دل در گرو دوره‌های بعد می‌نهیم و در شایدی اسیر می‌شویم که این دوره، درس‌خوانده‌ای از مجموعه تعلیم‌وتربیت بر مسند قرار گیرد و جانی تازه به این بیمار مختضر بخشد. اما صدافسوس که از سکون بی‌رویه این نهاد، بسیاری از معلمان رخت بارنشتستی بر تن کرده و ناامید از بهبودی، بی‌خیال آموزش‌وپرورش شده‌اند. جناب رئیس‌جمهور، روی سخنم با شما برای تغییر وضعیت موجود در سیستم آموزشی است که دلی برای آن نمی‌تپد و کسی را یاری همراهی با آن نیست. اکنون معلمان به رفرمی می‌اندیشند که



۶ ساعت

این چند روز درباره تابش اشعه فرابنفش و آسیب‌هایش هشدار داده می‌شود. گروه سلامت هوا و تغییر اقلیم وزارت بهداشت تأکید کرده است مردم در ساعات ۱۱ تا ۱۷ در معرض نور خورشید نباشند؛ تابش اشعه فرابنفش در این ساعات به اوج خود می‌رسد. استفاده از کلاه لبه‌دار، عینک آفتابی استاندارد و مصرف گرم‌های ضدآفتاب از مواردی است که می‌تواند باعث کاهش آسیب‌های ناشی از این تابش باشد. برخی دیگر هم این موضوع را تکذیب می‌کنند و معتقدند این هشدارها در واقع به خاطر کمبود برق است.



علی اصغر سیدآبادی

قبول ندارند. اگر چنین باشد چه نیازی به رأی‌گیری؟
بالین‌حال معنای وفاق ملی کنار گذاشتن اقلیت بازنده نیست، اما اگر وفاق واقعا ملی مد نظر باشد، هم باید به این اقلیت توجه داشت و هم به اکثریت کسانی که در انتخابات شرکت نکردند و اندکی بیش از ۵۰ درصد هستند. درست است که این اکثریت خود طیف‌های متنوعی را شامل می‌شود و نمی‌توان تصور یکپارچه‌ای از خواسته‌های ایجابی آنان داشت، اما در اینکه از وضعیت موجود ناراضی هستند، تردیدی نیست. بنابراین برای وفاق ملی باید وضعیت موجود تغییر کند. دولت باید چهره تازه و معناداری رو به کشایش و بهبود داشته

پس از انتشار خبری درباره کشته‌شدن یک زن و خودکشی مرد ایرانی در یکی از شهرهای آرام کانادا، بار دیگر مسئله حضور مهاجران مورد توجه قرار گرفته است؛ آن‌هم از منظری دیگر و در حمایت از حضور مهاجران افغانستانی. این‌بار ایرانیان مقیم کانادا بودند که به نکته مهمی اشاره کرده و معتقد بودند یک لحظه تصور کنید کانادایی‌ها خواهان اخراج ما شوند!

واقعیت این است که این روزها در اکثر میدان‌ها، پارک‌ها، صف نان، مراکز تفریحی تهران و برخی شهرهای بزرگ کشورمان تعداد زیادی از مهاجران افغانستانی حضور دارند. در خیابان‌های مرکز شهر تهران، اکثر شاگرد‌ها از کشور همسایه هستند؛ مودب و با اندکی خجالت مشغول کار و یادگیری هستند. شاید کمتر کسی توجهی به این جنتم‌های و شرمگین داشته باشد، اما برخی خبرهای تلخ و جنایت‌های رخ‌داده در شهرهای حاشیه‌ی‌ر با ابعاد گسترده مورد توجه قرار می‌دهند و دنبال می‌کنند. این‌بار البته جهت فرق دارد و حکایت از زخمی شدن و مجروح‌شدن مهاجران در ایران است. در ادامه به برخی مواردی که این روزها واکنش‌برانگیز شده است، اشاره می‌شود:

۹ میلیون مهاجر

آمار دقیقی از حضور مهاجران افغانستانی در ایران وجود ندارد. پیش‌بینی شده است پس از روی کار آمدن طالبان، حداقل ۹ میلیون نفر به ایران آمده‌اند که این خود آمار زیادی است؛ به‌طوری‌که از هر ۹ ساکن ایران، یک نفر مهاجر افغانستانی است. تعداد زیادی از مهاجران غیرقانونی هستند؛ یعنی شاید تعداد آنها بیشتر هم باشد. این درحالی است که با روی کار آمدن دولت جدید، درخواست برای ساماندهی آنان جزء اولویت‌ها باید باشد.

بازماندگان از تحصیل

حضور کودکان افغانستانی در مدارس با توجه به کمبودهایی که مطرح است،



شدت گرمای هوا در اهواز به حدی رسیده است که تمام شعب بانک‌های دولتی استان، پنجشنبه چهارم مردادماه تعطیل اعلام شدند. اداره کل هواشناسی خوزستان در اطلاعیه‌ای نسبت به وقوع دماهای ۴۸ و ۴۹ درجه و بالاتر از روز چهارشنبه هفته جاری تا یکشنبه آینده هشدار سطح نارنجی صادر کرد. عکس: علی معرف، ایرنا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

وفاق ملی و تبعیض منفی علیه اصلاح‌طلبی

باشد. البته که این به معنی حذف چهره‌های امتحان‌پس‌داده موفق نیست. چه بسا ترکیبی از نیروی جوانی و تجربه باتجربه‌ها بهترین ترکیب باشد.

در روزهای اخیر برخی از کمین‌ها تلاش می‌کنند در کنار تبلیغ گزینه مورد نظر خود، وفاق ملی را به‌گونه‌ای تعریف کنند که در آن اصلاح‌طلب‌بودن یا نزدیکی به سیدمحمد خاتمی نقطه ضعف معرفی شود. به بیان دیگر، بر کمیت‌ها و شورای راهبری و رئیس‌جمهور منتخب فشار می‌آورند که علیه اصلاح‌طلبان تبعیض منفی اعمال کنند و اصلاح‌طلبی را نوعی رانت منفی به حساب آورند. حال فرض کنید شورای راهبری چنین منطقی را بپذیرد. از آن سوی احتمالا بسیاری از اصلاح‌طلبان به دلیل پرونده‌سازی‌های دولت فعلی در دانشگاه‌ها، آموزش‌وپرورش و حوزه‌های فرهنگ و هنر و... از تأیید مراجع امنیتی هم رد می‌شوند.

در چنین وضعیتی شورای راهبری اگر اصلاح‌طلبی را به عنوان امتیاز به حساب نمی‌آورد، دست‌کم آن را امتیاز منفی حساب نکند و مقبولیت مردمی و حمایت نهادهای صنفی و مدنی را مبنا قرار دهد.

جامعه‌خوانی

ما ومهاجران

جزوی از نکات واکنش‌برانگیز شده است. نایب‌رئیس کمیسیون آموزش مجلس اعلام کرده که امسال، ۹۱۱ هزار دانش‌آموز در کشور از تحصیل بازمانده‌اند که باید در این زمینه چاره‌اندیشی شود.

این نماینده تأکید کرده است همچنین ۲۷۹ هزار دانش‌آموز در کشور به دلیل مشکلات مالی ترک تحصیل کردند که اکثر آنان در مناطق دورافتاده و روستایی هستند.

این درحالی است که از سوی دیگر، اعلام شده است امسال یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر (اتباع فقط در سطح دبستان در سراسر کشور ثبت‌نام خواهند کرد. سال قبل این تعداد ۵۰۰ هزار نفر بود و این حکایت از رشد ۲۰۵ برابری حضور کودکان مهاجر افغانستانی دارد.

فتوا علیه ایرانیان

چندی پیش از دعوای بین ایرانی‌ها با افغان‌ها یا بلندکردن یک خانم پیر افغانستانی از روی صندلی مترو ویدئوهایی منتشر شد. حالا برخی از حساب‌های کاربری از یک موضوع خطرناک خبر داده‌اند. بدون تردید این نمی‌تواند واقعی و اجرایی باشد، اما باعث ترس شده است.

حمایت‌اشتباهی

حجت‌الاسلام علم‌الهدی، امام‌جمعه مشهد، هفته پیش سخنانی حامیانه و عجیب بیان کرد و گفت: «ما با افغان‌ها از یک خون و یک نژادیم و همه مفاخرمان در علم و فرهنگ افغانی هستند. ابن‌سینا و مولوی و فارابی بزرگان علم و دانش ما هستند که مال افغانستان هستند».

این سخنان از نظر تاریخی نادرست بود و واکنش‌های زیادی در پی داشت. این شیوه و این قیل‌قارتا‌ها که در حمایت از مهاجران افغان مطرح می‌شود، بیشتر از آنکه بتواند راهگشا باشد، سبب افزایش فاصله می‌شود.

۲

جوان

دو جوان ۲۲ساله فعال محیط‌زیستی، پس از تخریب نقاشی ونسان ون گوگ به زندان افتادند. آنان سوپ گوجه‌فرنگی را به سمت تابلوی گل آفتابگردان پرتاب کرده‌اند و در دادگاه مجرم شناخته شده‌اند. این اتفاق مربوط به اکتبر ۲۰۲۲ در لندن است، اما دادگاه دو روز پیش برگزار شد. قاضی هشدار داد «از لحاظ عملی و احساسی برای رفتن به زندان آماده باشند» زیرا «یکی از ارزشمندترین آثار هنری جهان را نابود کردند». قاضی همچنین برای این دو جوان ۲۲ساله شرایط وثیقه تعیین کرد که شامل عدم حمل چسب، رنگ یا مواد چسبنده در امکان عمومی است.

هنرخوانی

به هم پناه بیاوریم

جواد کاشی، جامعه‌شناس، در صفحه شخصی خود درباره سربال «در انتهای شب» ساخته آیدا پناهنده نکاتی را مطرح کرده است. او نوشته این سربال را در یک پرسش می‌توان خلاصه کرد: «چه بر سر آدمیان خواهد آمد هنگامی که سقف سنت فروریخته و خداوند از قلمرو رابطه‌های انسانی کوچ کرده باشد؟».

او نوشته است: «در انتهای شب یک پاسخ ساده می‌دهد: آدمیان گریزی از آن ندارند جز آنکه به هم پناه بیاورند.

به چهره هم چنگ می‌زنند. به عهدهای خود خیانت می‌کنند، دروغ می‌گویند، گویی وضع طبیعی هابز ظهور کرده باشد. اما مردم از خود و تنهایی عمیقی که گریبان‌شان را گرفته، چاره‌ای جز پناه‌آوردن به دیگری ندارند.

به آثاری عادت داریم که عشق را به عنون آخرین میانجی ارتباطات انسانی به تصویر می‌کشند. همه در این خیال‌اند که توسن عشق از راه برسد و ناسازواری‌های واقعیت جهان را سازوار کند. عشق هم در انتهای شب، یک کلیشه بی‌معناست. خانم پناهنده بیننده را به آن سوی تصورات رمانتیکی عشق می‌برد. پرسش جدی‌تر می‌شود: چه بر سر آدمیان خواهد آمد وقتی همه میانجی‌ها اعم از سنت و خداوند و حتی عشق از میان برخاسته باشند؟

در انتهای شب، چراغ‌های رابطه خاموش‌اند؛ درست مثل شهر که بیکاره در تیرگی فرورفته باشد. آنگاه زندگی مثل طی‌کردن یک راه تاریک جنگلی است که هر آن ممکن است خطری در کمین نه نوشته باشد. همگان در معرض یک انتخاب مهم‌اند: هرکس به تنهایی این مسیر مخاطره‌آمیز را طی کند یا با یک دیگری همراه شود؟

دیگری در انتهای شب، نه دشمن است و نه دوست. نزدیک‌شدن به دیگری از سنخ دگردوستی، نوع‌دوستی یا عشق و محبت نیست. دیگری همان است که در هر بزنگاهی ممکن است بر چهره تو چنگ بزند، اما در یک جهان تاریک‌شده، تنها پناه ممکن است. دیگری به‌منابه تنها پناه‌گاه نامطمئن در شرایط آشوب، انتهای شب را از هر وضعیت شناخته‌شده‌ای متمایز می‌کند. تکیه به دیگری بدون حضور میانجی‌هایی که به اعتبار آنها طرفین رابطه بر عهد خود بمانند، وضعیت حیرت‌انگیزی است. سربال در انتهای شب به‌خوبی این وضعیت را به تصویر کشیده است.

هیچ نقشه‌ای پیش طراحی‌شده‌ای برای زندگی وجود ندارد. هرکس داستان خود را دارد. اما سربال در انتهای شب، برای روندگان راه تیره جنگل یک توصیه مهم دارد و آن، مدیریت زمان است. در فضای آشوب‌ناک زندگی، دل‌نگرانی برای آینده، خود به تیرگی می‌افزاید. مجادلات میان ماهی و بهن‌ام، از آینده‌نگری‌های ماهی آغاز می‌شود. آینده به روزگاری تعلق دارد که جهان اجتماعی روشن است و سنت، ایدئولوژی یا اسطوره‌های متعارف مردم سرزنزنده‌اند. اما هنگامی که سخن از راه تاریک جنگل است، دل‌نگرانی آینده خود رابطه‌ها را مخدوش می‌کند. گذشته هم می‌تواند مخاطره‌آمیز باشد؛ چون در فضای آشوب رابطه‌ها، همه دست‌ها آلوده‌اند و خاطره‌ها ملو از اتفاقاتی که می‌توانند مولد کینه و یأس باشند.

خاطره‌ها را البته نباید به کلی فراموش کرد؛ اتفاقا بهره‌گیری گزینشی از خاطره‌ها نجات‌بخش است. در آشوب رابطه‌ها دروغ هست، اما عشق هم هست. خیانت در امانت هست، اما فرصت‌های معدود راستی هم جاری است. هنوز مادری هست، هنوز عشق فرزند وجود دارد. هنوز سودای پردیون جاری است. تن‌ها، نگاه‌ها و لبخند‌ها، اشک‌ها و زخم تنهایی‌ها، به کار التیام‌بخشی به رابطه‌ها می‌آیند. باید آنها را فراخواند شاید دیگری بماند و رابطه‌ها پایدarter شوند.

«در انتهای شب» همگان را فراخوان می‌کند تا دست به کار تأسیسی دوباره شوند. تأسیسی که از سنخ حساسه‌سازی‌های بزرگ نیست، نجات‌بخشی در میان نیست، همه باید دست به کار شوند. هرکس با شکسته‌بندکردن پاره‌های زندگی خود، به کلیت ازهم‌گسیخته مدد می‌رساند. کلیتی در میان هست، اما برساختن آن، از سلولی‌ترین رابطه‌های انسانی آغاز می‌شود.

اگر نسل ما کلیتی در ذهن داشت و جزئیات روابط انسانی را به تأسیس آن کلیت تام موکول کرده بود، در انتهای شب، مسیر معکوسی پیش‌روی ماست: قرار است جامعه در پایین‌ترین لایه هرم اجتماعی با هزاران روایت و رنگ و با تکاپوی پرمایه هر فرد ساخته شود. فرم و ساختار کلیت به فردا موکول شده است.»